

فیزیک (۳)

به نام یزدان پاک

از میان کسانی که برای دعای باران به تپه‌ها
می‌روند تنها آنانکه با خود پتری به همراه می‌آورند
به کار خدا ایمان دارند.

سرشناسه: نجفی - حجت

عنوان: پدیدآور: فیزیک / حجت نجفی.

مشخصات نشر: تهران: قلم علم: مرجع، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص: جدول، نمودار.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال، ۹ - ۸۲ - ۸۸۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست نویسنده: فیفا

موضوع: فیزیک - راهنمای آموزشی (متوسطه)

موضوع: فیزیک - آزمون‌ها و تمرین‌ها (متوسطه)

رده‌بندی کنگره: ۹۱ - ن ۳۳۶/۳۸۱۳۲۰۲۲

رده‌بندی دیویی: ۵۳۰/۰۷۶

شماره کتابخانه ملی: ۷۱۰۵۱۹۱

عنوان: فیزیک (۳)

به قلم: حجت نجفی

مدیریت تولید: حسین علمدار - مهندس امین آصفی

ناشر: قلم علم - مرجع

نوبت چاپ: اول - ۸۹

شابک: ۹ - ۸۲ - ۸۸۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

ناظر چاپ: حسین علمدار

مدیریت آموزشی: مهنا حسینی

بها: ۱۲۰۰۰ ریال

دفتر مرکزی: ۴۴۶۹۳۹۴۳ - ۴۴۶۹۱۸۴۹

مقدمه‌ی مولف:

معلم فیزیکه در حال صحبت درباره‌ی مدیریت زمان، برای بعضی از دانش‌آموزانش بود. برای تفهیم موضوع، مثالی زد که هیچ وقت اونو فراموش نکنن. اون همونطور که روبروی این بچه‌ها نشسته بودو مشغول بحث بود، به شوخی گفت: "خیل خوب، دیگه وقت امتحانه!"

بعد یک کوزه سنگی دهن گشادو از زیر میزش بیرون آوردو، اونو رو میز گذاشت. بعد حدود دوازده تا قلوه سنگ که هر کدام به اندازه‌ی یه مشت بودو یکی یکی و با دقت داخل کوزه چید.

وقتی کوزه پر شد و دیگه هیچ سنگی تو اون جا نگرفت از بچه‌ها پرسید: "آیا کوزه پره؟"

همه با هم گفتند: بله

معلمه گفت: "واقعاً؟"

بعد یک سطل ماسه از زیر میزش در آورد. یه خورده از ماسه‌ها رو روی سنگ‌های داخل کوزه ریخت و کوزه رو تکون داد تا دونه‌های ماسه، خودشونو تو فضای خالی بین سنگا جا بدن.

یه بار دیگه پرسید: "آیا کوزه پره؟"

این بار کلاس از اون جلوتر بود. یکی از بچه‌ها جواب داد: "احتمالاً نه"

معلمه گفت: "خوبه" و بعد یه سطل شن ریزه رو از زیر میز بیرون آورد و شن ریزه‌ها رو داخل کوزه ریخت. شن ریزه‌ها تو فضای خالی بین سنگا و دونه‌های ماسه جا گرفتن.

همون موقع یه پارچ آبم آوردو شروع به ریختن آب تو کوزه کرد تا وقتی که کوزه لب به لب پر شد.

بعد رو به کلاس کرد و پرسید: "کی می‌تونه بگه نکته‌ی این مثال تو چی بود؟"

یکی از بچه ها، مشتاقانه دستش رو بلند کرد و گفت: " این مثال می خواد به ما بگه که برنامه ی زمانی ما هر چقدرم که فشرده باشه، اگه واقعا زیاد تلاش کنیم همیشه می تونیم کارای بیشتری تو اون بگنجونیم. "

معلمه جواب داد: "نه! " نکته این نیست،

حقیقتی که این مثال به ما یاد می ده اینه که، اگه سنگای بزرگو اول نذارید، هیچ وقت فرصت پرداختن به اونارو نخواهید یافت.

سنگای بزرگ زندگی شما چیا هستن؟

" تحصیلتون، رویاهاتون، محبوبیتتون، انگیزه های با ارزشتون، زمانی برای خودتون، سلامتی تون و... "

یادتون باشه که اول این سنگای بزرگو بذارید، در غیر این صورت هیچ وقت به اونا دست نخواهید یافت.

اگه با کارآی کوچیک (شن و ماسه)، خودتونو خسته کنید، زندگی خودتونو با کارآی کوچیکی که اهمیت زیادی ندارن پر می کنید و هیچ وقت زمان کافی و مفید برای کارآی بزرگ و مهم (سنگ های بزرگ) رو نخواهید داشت.

هر صبح و شبی که به این مثال فکر کردی، این سوالو از خودت پیرس: "سنگ های بزرگ زندگی من کدومان؟" اول اونارو داخل کوزه ی زندگیت بچین.

حدس می زنم این کتاب کوچیک فیزیک ۱، بزرگترین سنگ امتحان نهایی فیزیکت بشه!

این طور نیست؟

بعد خوندنش می تونی نظرتو برام بفرستی.

حجت نجفی

nh.najafi@yahoo.com

خیلی دور خیلی نزدیک

نمی‌دونم تا به حال گذرت به روستای مصر تو دل کویر افتاده یا نه؟
اگر اهل نجوم باشی حتماً اسمشو شنیدی چون می‌گن بهترین جای
دنیا برای رصد ستاره‌هاست. اگر شبی بدون ابر اونجا باشی فقط کافیه
چشماتو ببندی، دستتو دراز کنی تا ستاره‌ی اقبالتو، تو آسمون پر
ستاره‌اش بچینی تا باور کنی خیلی چیزهایی که دور به نظر می‌رسیده
بهت خیلی نزدیک بوده.

امیدوارم سرزمین این سری کتاب‌های کوچک که الان یکی از اونها تو
دست‌های شما هست جایی مثل مصر باشه که چشماتو ببندی دست-
های پر از امیدت را دراز کنی تا شاید اگر گرفتن یک نمره خوب
امتحانی مثل فیزیک برات خیلی دور از دسترس بوده، خیلی نزدیکتر
از اون چیزی بشه که فکر می‌کردی. البته اگه موقع خوندن این کتاب
کاملاً چشماتو باز نگه داری.

دوست عزیزم نظرت درباره‌ی این کتاب را بعد از امتحانات با شماره-
های ۰۹۱۲۱۷۶۴۸۰۵ یا ۰۹۳۷۰۰۷۵۰۸۵ از طریق پیامک یا ارتباط
مستقیم بهم بگو تا منم هر موقع که یکی دیگه از این کتاب‌ها متولد
شد بهت خبر بدم تا این بار خوندش قبولی در کنکور نزدیک‌ترین
ستاره به سرزمین آرزوهای قشنگت باشه.